

هم از دستش خارج شود. از طرف دیگر، مرحله‌ی سوم عملیات هم باید هر چه زودتر آغاز می‌شد اما با کدام نیرو؟ با کدام تجهیزات؟ چگونه بعد از ده روز عملیات شبانه‌روزی باز هم می‌بایست از نیروها انتظار داشت که بچنگند؟

در همین حال، حاج احمد متوسلیمان با اینکه در اثر جراحت، پایش در گج بود و عصایی در دست داشت و لنگ‌لنگان هم قدم بر می‌داشت، ترجیح داد در منطقه بماند و مقدمات عملیات بعدی را فراهم کند. او بعد از جلسه‌ی توجیهی فرماندهان گردان‌های تیپ ۲۷ در قرارگاه فرعی نصر ۲، تصمیم گرفت با همان وضعیت مجروح و خسته، به میان رزمندگان رفته و برای افزایش روحیه‌ی آنها سخنرانی کند. یکی از حضاری که در آن روز (یعنی ۳۱ اردیبهشت ۶۱) در آنجا حاضر بود، این ماجرا را اینگونه روایت می‌کند: "حاج احمد با همان عصایی که زیر بغل داشت، آمد روی چهارپایه ایستاد و پشت میکروفون قرار گرفت. لحظه‌ای در سکوت با دقت به چهره‌های بچه‌ها نگاه کرد و بعد گفت: ... در شرایطی که ما قصد داریم تا چند روز دیگر خرمشهر را آزاد کنیم، شنیده‌ام بعضی‌ها حرف از مرخصی و تسویه زده‌اند! بابا! ناموس شما (یعنی خرمشهر) را برده‌اند! همه چیز شما را برده‌اند! شما می‌خواهید بروید تهران چه کار کنید؟ همه‌ی حیثیت ما اینجا در خطر است. شما بگذارید ما برویم با آب شط‌العرب وضو بگیریم و نماز فتح را در خرمشهر بخوانیم، بعد که برگشتیم، خودم به همه تسویه می‌دهم. الان وضع ما عین زمان امام حسین (ع) در روز عاشورا است. بگذارید حقیقت ماجرا را به شما بگویم. ما الان دیگر نیروی تازه‌نفس نداریم. کل قوای ما در این زمان، فقط همین شماها هستید و دشمن هم اطلاع ندارد... از شما خواهش می‌کنم تا جان در بدن دارید، بمانید تا شاید به لطف خدا در این مرحله بتوانیم خرمشهر را آزاد کنیم."

● ایزود سوم: تغییر هندسه جهان

نیم قرن بعد از افتضاح جنگ شش روزه، و سی سال بعد از جنگ هشت ساله‌ی عراق با ایران، شاید کسی تصور نمی‌کرد که نه تنها چهارمین ارتش قدرتمند جهان (یعنی ارتش صهیونیستی) بلکه کل نظام سلطه، با همه‌ی توان و قدرت مادی و نظامی خود، مقهور تعدادی جوان عاشق "انقلاب خمینی" شوند و رئیس‌جمهور قدرتمندترین کشور دنیا، چندین ماه پیش با عصبانیت اعلام کند که "ما تا همین سه ماه پیش، هفت تریلیون دلار در خاورمیانه خرج کرده‌ایم. نه میلیارد یا میلیون، بلکه هفت تریلیون دلار... ما خیلی زود سوریه را ترک می‌کنیم" < ۳



دیدار پشمار اسد با رهبر انقلاب

پیانگر آغاز مرحله جدیدی از معادلات منطقه‌ای است

حرکت به سمت آینده روشن

می‌کردند کار این رژیم عن‌قریب تمام است. اما ماجرا برعکس شد. رژیم صهیونیستی در یک حمله‌ی غافلگیرکننده توانست تا کنترل نوار غزه و صحرای سینا را از مصر، قدس شرقی و کرانه‌ی باختری رود اردن را از اردن، و بلندی‌های جولان را از سوریه خارج کند. و البته همه‌ی اینها تنها در ۶ روز رقم خورد. ۶ روزی که البته به گفته یکی از تحلیلگران عرب، ۶ ساعت بیشتر نبود و فقط برای حفظ آبرو است که گفته می‌شود ۶ روز.

● ایزود دوم: مقاومت هشت ساله

موفقیت نیروهای ایرانی در عملیات طریق القدس در آذرماه سال ۶۰، موجب شد تا ارتش یعنی همه‌ی توان خودش را در خرمشهر جمع کند و نگذارد به هر نحوی که شده، این شهر

● ایزود اول: شکست در ۶ ساعت!

پنجم ژوئن ۱۹۶۷ جنگی تمام عیار میان ارتش رژیم صهیونیستی با کشورهای مصر، سوریه و اردن رخ داد که از آن تعبیر به "جنگ‌های شش روزه" می‌کنند. ماجرا از این قرار بود که به دنبال تحولاتی که در منطقه به وجود آمد، رژیم صهیونیستی با خبر شد که نیروهای نظامی مصر در حال آماده‌باش و متمرکز کردن نیروهای خود در "صحرای سینا" هستند. روز بعد، نخست‌وزیر اسرائیل هم دستور داد تا تعدادی از واحدهای نظامی ارتش خود را به این سمت روانه کنند. به موازات این مسأله، کشورهای سوریه و اردن و عراق هم نیروهای خود را در بلندی‌های جولان و کرانه‌ی باختری رود اردن برای حمله به رژیم صهیونیستی مستقر کردند و تصور



شرح حدیث | ۴

کسی که عاقبت کارش را نبیند خردمند نیست

خانواده ایرانی | ۴

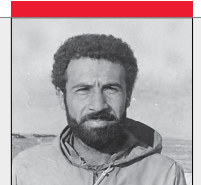
می‌خواهند خانواده را از بین ببرند

پرسش و پاسخ | ۲

چگونه می‌توان از خط فکری حضرت تعالی مطلع شد؟

شهید رضوان و قرب الهی رادرك کرده است | این شماره تقدیم می‌شود به روح پر فتوح شهید محمد جواد دل آذر *

شهید [در پیشگاه خدای متعال در درجات عالی دارد پرواز می‌کند، یعنی آن چیزی که همه‌ی عرفا و اهل سلوک و آن سرگشته‌های وادی‌های عشق و شور معنوی و عرفانی یک عمر به دنبالش گشته‌اند و دویده‌اند و با این فداکاری و این شهادت به دست آورده رضوان و قرب الهی رادرك کرده است. ۷۲/۲/۲ * شهید دل آذر از شهدای شاخص استان قم است که رهبر انقلاب در جریان سفر استانی خود به قم، بر سر مزار مطهر این شهید و الامقام حاضر شدند.



عمده مشکلات اقتصادی ناشی از

سوء مدیریت است نه تحریم

ما امروز دچار مشکلیم، نمی‌شود مشکلات مردم و گلایه‌های مردم را نادیده گرفت؛ مسئولین باید جدی بگیرند. مسئله‌ی بیکاری مهم است، مسئله‌ی رکود مهم است، مسئله‌ی گرانی مهم است؛ اینها مسائلی است که وجود دارد. «۹۵/۱۱/۲۷» که بخش عمده‌ی این مشکلات نیز به «مدیریت» برمی‌گردد: «مشکلات اقتصادی کشور ممکن است بیست درصد، سی درصد، چهل درصد مربوط باشد به تحریم‌ها [اما] بقیه مربوط به مدیریت است؛ ما باید مدیریت کنیم، ما بایستی درست عمل کنیم.» ● ۹۴/۱۰/۳۰

حرف هر کس، و لو مخالف

خودتان را بشنوید

حرف هر کسی را، ولو آن کسی که حرف می‌زند، جزو جریان شما و گروه شما و جبهه‌ی شما و هر چه که می‌خواهید اسمش را بگذارید، نیست، گوش کنید؛ اگر دیدید حرف درستی است، آن وقت «فیتبعون احسنه». حکمت قرآنی را ملاحظه کنید: «یستمعون القول فیتبعون احسنه». باید استماع کرد؛ بعد هر چه بهتر است، انسان قبول کند؛ ولو آن بهتر از زبان کسی در بیاید که انسان او را دوست ندارد، قبول ندارد. این خیلی حالت خوبی است. اگر این پیش بیاید، خیلی خوب است؛ برخلاف اینکه انسان تا دید این کسی که پا شده، جزو جناح مخالف است، جزو گروه منفی است از نظر من، از همان اول بنا بگذارد که او را رد کند. این به نظرم خیلی مسئله‌ی مهمی است. علمی و استدلالی و فکر شده عمل بشود، سالم و اخلاقی گفتگو و مشورت بشود، از سر لجاج نباشد، تحمل نظر مخالف وجود داشته باشد. ● ۸۸/۴/۳

چگونه می‌توان از خط فکری

حضر تعالی به صورت واضح مطلع شد؟

من آنچه که در سخنرانی‌ها بیان می‌کنم، لب نظر اتم است. اساسی‌ترین نظراتم همان‌هایی است که شمار در سخنرانی‌ها از من می‌شنوید. هیچ نظری درباره مسائل جاری کشور و مسائل اسلام و مسلمین و مسائل اجتماعی وجود ندارد که من آن را در گوشه‌ی کسی بگویم و نشود آن را در علن گفت. نظرات من، نظراتی شفاف و روشن است که در خطبه‌ی نماز جمعه و در سخنرانی با گروه‌های مختلف، شما اینها را می‌شنوید. ● ۷۷/۲/۲۲

رستاخیز علمی آغاز شده است

دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانا، توانایی است... اکنون نزدیک به دو دهه است که «رستاخیز علمی» در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود - یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. همه و همه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنیدن در جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکورد های بزرگ دست یافته ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت. اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه‌ی اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قلّه‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم.

نباید گذاشت جهنمی‌ها مردم را جهنمی کنند

معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند... اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی کنند.

اصول هفت گانه خیزش به سوی آینده روشن

چشم امیدم به شما جوان‌ها است

رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم، در کنار توصیه به امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده که کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، و نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد است، توجه به ۷ سر فصل اساسی و مهم را به جوانان توصیه کردند. **خط خیزش** در اطلاع‌نگاشت زیر به بازخوانی این اصول هفت‌گانه پرداخته است.

نقطه کلیدی تعیین‌کننده

اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد... مهم‌ترین عیوب، وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه‌ی وظایف دولت نیست، نگاه به خارج و نه به توان و ظرفیت داخلی، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، و سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مسرفانه در بخش‌هایی از دستگاه‌های حکومتی است. راه‌حل این مشکلات، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که... درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن آن، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌هایی که قبلاً به آن اشاره شد، بخش‌های مهم این راه‌حل‌ها است. بی‌گمان یک مجموعه‌ی جوان و دانا و مؤمن و مسلط بر دانسته‌های اقتصادی در درون دولت خواهند توانست به این مقاصد برسند.

برای اجرای این دو، چشم امید به جوان‌هاست

فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظام‌ها و اگر در بدنه‌ی حکومت‌ها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیت اجتماعی است، بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظام‌ها است... همه باید بدانند که طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه‌ی مقامات حکومت جمهوری اسلامی است. عدالت... به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه بویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است... با این همه اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است... این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن چشم امید به شما جوان‌ها است؛ و اگر زمام‌داری بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله.

استقلال یعنی آزادی از زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان



استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی‌اند و... حکومت‌ها موظف به تأمین این دو اند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی بیشتر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند... این ثمر شجره‌ی طیبه‌ی انقلاب را با تأویل و توجیه‌های ساده‌لوحانه و بعضاً مغرضانه، نمی‌توان در خطر قرار داد. همه -مخصوصاً دولت جمهوری اسلامی- موظف به حراست از آن با همه‌ی وجودند. بدیهی است که «استقلال» نباید به معنی زندانی کردن سیاست و اقتصاد کشور در میان مرزهای خود، و «آزادی» نباید در تقابل با اخلاق و قانون و ارزش‌های الهی و حقوق عمومی تعریف شود.



بگذارید بقیه به حساب آنجا برسند... خیلی زود، از آنجا خارج می‌شویم و خیلی زود به خانه، به جایی که به آن تعلق داریم، باز می‌گردیم." هشت سال پیش، آمریکا و ادنایش تصور می‌کردند در عرض چند روز می‌توانند حکومت سوریه را سرنگون کنند و دولت دست‌نشانده‌ی خود را در آنجا مستقر کنند، حالا اما با خروج مفتضحانه‌ی آمریکا در منطقه، رئیس‌جمهور سوریه، برای عرض تشکر به تهران آمده و در دیدار با رهبر انقلاب، با تجلیل از حمایت‌های بی‌دریغ جمهوری اسلامی ایران از کشورش، گفت: "جنگ سوریه مشابه جنگ تحمیلی هشت ساله علیه ایران بود. جمهوری اسلامی در این حادثه فداکارانه در کنار ما بود و لازم است موفقیت کنونی را به جنابعالی و همه ایرانیان تبریک بگویم و از آنان قدر دانی کنم."

● ایبزد چهارم: حرکت به سمت آینده روشن

«ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه‌ی جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه‌ی غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته‌ی حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است... و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله‌ی سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بینند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد... صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت‌ی اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است... دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند... و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد... در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.



۷. مقابله با سبک زندگی غربی، جهادی همه‌جانبه‌ی طلب

سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زبان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌هاست. ●

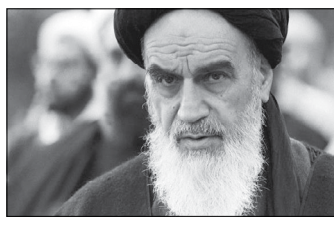


۶. مذاکره با آمریکا

جز زیان محصولی نخواهد داشت



عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن، این هر سه، شاخه‌هایی از اصل «عزت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت‌ی اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است... دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آنها با دقت حفظ کند... و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد... در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت.



شرح حدیث

کسی که عاقبت کارش را نبیند خردمند نیست

قال أبو عبد الله عليه السلام: ... و ليس بحازم من لم ينظر في العواقب «حازم» یعنی آدم خردمند، باهوش، کسی که کار را محکم کاری می‌کند... می‌فرماید: آن کسی که عاقبت کار خودش را ملاحظه نکند، خردمند و محکم کار نیست، ببینید، اینها همه درس است برای ماها، بخصوص آن کسانی از شماها و ماها که یک مسئولیتی دارند، در یک نقطه‌ای تصمیمی می‌سازند یا تصمیمی می‌گیرند، خوب، یک کاری است که آدم خوشش می‌آید انجام بدهد و منفعتی هم دارد اما عاقبتش را در نظر نمی‌گیرد؛ وارد کار می‌شود بدون اینکه عاقبتش را در نظر بگیرد. امثالاً وقتی که دارید مسابقه می‌دهید، بدانید طرف مقابل شما در مقابل این حرکتی که شما انجام می‌دهید، چه حرکتی انجام خواهد داد، فکر آن را بکنید، آن وقت برای آن حرکتی که او بعداً انجام خواهد داد، یک آمادگی‌ای پیدا کنید، بعد حرکت‌تان را شروع کنید؛ عاقبت کار را دیدن... و اللَّظْفَرُ فِي الْعَوَاقِبِ تَفْتَحُ الْقُلُوبَ، یعنی اگر ما در عواقب کارمان دقت کنیم، دل را باز می‌کند، منافذ فکری انسان را، منافذ روحی و معنوی انسان را باز می‌کند. ● ۹۷/۱۲/۵ (۱) امالی طوسی، مجلس یازدهم، ص ۳۰۱

تفسیر قرآن

در قبال نعمت پروردگار شکرگزار باشید

آنچه مهم است، این است که کسی که از سوی پروردگار عالم نعمت می‌گیرد، در مقابل آن، چه روشی از خود نشان خواهد داد. در سوره‌ی حمد می‌خوانید که «صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب علیهم ولا الضالین» (۱۱) یعنی کسانی که نعمت هم می‌گیرند، ممکن است «مغضوب علیهم» شوند؛ مثل بنی اسرائیل، بارها خدای متعال به بنی اسرائیل فرمود: «اذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم» (۲۱) آنها مورد نعمت خدا قرار گرفته بودند. در سوره‌ی حمد، «مغضوب علیهم» به بنی اسرائیل تعبیر شده است. بنابراین، نعمت را که گرفتیم، باید مواظب باشیم که بعد از تسلّم نعمت، شکرگزار آن باشیم تا جزو «مغضوب علیهم» و یا «ضالین» نشویم. راهش هم این است که شکر کنیم. ● ۷۶/۲/۷ (۱) سوره مبارکه الفاتحه آیه ۲ | (۲) سوره مبارکه البقره آیه ۴۷

بدون پشتیبانی مردم نمی‌شود کاری کرد

ما باید دنبال این معنا باشیم که مردم را ننگه داریم، و همین طوری که آقایان می‌گویند، بدون پشتیبانی مردم نمی‌شود کار کرد. و پشتیبانی

هم به این نیست که مردم الله اکبر بگویند، این پشتیبانی نیست. پشتیبانی این است که همکاری کنند، همکاری این است که در تجارت همکاری کنند، شما مجال به آنها بدهید همکاری کنند. وقتی این مجال را شما دادید، مردم کمک شما هستند. و این طور نیست که



دیدار آریین غلامی، شطرنج باز قهرمان با رهبر انقلاب

خوشحالیم که شماها را داریم
آریین غلامی، شطرنج باز نوجوان تیم ملی جمهوری اسلامی ایران که در مسابقات بین‌المللی اخیر از رویارویی با حریفی از رژیم صهیونیستی امتناع کرد، با رهبر انقلاب دیدار کرد. رهبر انقلاب در این دیدار با تقدیر از این نوجوان عزیز فرمودند: خدان‌شاءالله شماها را حفظ کند. خدا ان‌شاءالله شماها را برای اسلام، برای این کشور نگه دارد... خیلی خوشحال شدم آقای غلامی، آقای آریین گل. خوشحالیم که بحمدالله شماها را داریم. برای آینده‌ی کشور شماها سرمایه‌اید؛ این سرمایه را نگهدارید. ● ۹۷/۱۲/۵

خانواده ایرانی

می‌خواهند خانواده را از بین ببرند

خانواده سنت الهی است. دشمن بشریت یعنی جریان سرمایه‌داری بین‌المللی و صهیونیسم تقریباً از حدود صد سال پیش تصمیم گرفتند که خانواده را در بین بشر از بین ببرند؛ و یک جاهایی موفق شدند. در آن جاهایی که از خدا دور بودند موفق شدند، در یک جاهایی هم از جمله در ایران اسلامی ما موفق نشدند اما دارند تلاش می‌کنند. این ازدواج‌های سخت، این ازدواج‌های دیر، این فرزندان آوری کم، این به تعبیر غلط زشت‌شان «ازدواج‌های سفید» - که سیاه‌ترین نوع زندگی مزدوج است - همه‌ی اینها به خاطر این است که خانواده از بین برود. رواج شهوات، از بین رفتن حیا و عفت، امروز جزو برنامه‌های دشمن است. ● ۹۷/۱۲/۷

حزب‌الله این است

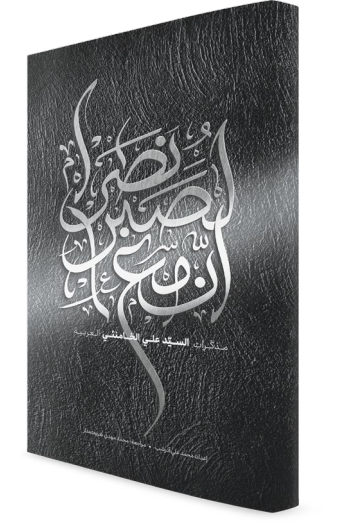
گروه‌های مؤمن معطل کسی نم‌انند

است؛ دریایی است از ظرفیت؛ این ظرفیت‌ها باید شناخته بشود و از آنها استفاده بشود؛ چه کسی باید بکند این کار را؟ ما مسئولین؛ به عهده‌ی ما مسئولین است. البته اینکه می‌گویم ما مسئولین، معنایش این نیست که تکلیف از گردن جوان‌ها برداشته است. معنای آتش به اختیاری که ما گفتیم، این است؛ یعنی همه‌ی جوان‌ها، همه‌ی گروه‌های مؤمن در زمینه‌های مختلف، هر کاری که برایشان میسر است، و مطابق با قوانین کشور و مصلحت کشور است. باید انجام بدهند و معطل کسی نباید بمانند. ● ۹۷/۱۱/۲۰

بازار، مثلاً، سر تا ته‌اش را - خدای نخواسته - یک اشخاص فاسد، در یک بازار - البته پیدا می‌شود - یک عده‌ای فاسد و یک عده‌ای سودجو هم پیدا می‌شود، معلوم است این. اما مردم صحیح و مردم متدین و مردم کار‌دان زیاد هست در بازار. ● امام خمینی (ره): ۶۳/۶/۴

خاطرات رهبری

شنش نفری به من حمله کردند و کتکم زدند



در اواخر یکی از شب‌های زمستان آن سال [۱۳۵۶] در خواب بودم که در زدن... در آن روز که باز کردم، دیدم افرادی با مسلسل و هفت تیر ایستاده‌اند! به ذهنم گذشت که آنها عده‌ای چپی هستند و قصد تصفیه‌ی مرا دارند... با اسلحه‌ی خود شروع به کوبیدن به شیشه‌ی ضخیمی که روی در منزل بود، کردند و آن را شکستند... خدا را شکر کردم که برخلاف تصور من، آنها از چپی‌ها نیستند. به سمت در رفتم و در را باز کردم. شنش نفری حمله کردند و در میان در بیرونی خانه و در محیط اندرونی، با خشونت و بی‌رحمی مرا به باد کتک گرفتند... مأموران ساواک به جست‌وجو بازسی خانه پرداختند و تا شپزخانه و توالت را هم گشتند! همسر مرا اقدام جالبی کرد... اعلامیه‌های محرمانه‌ای را که در اتاق بود، جمع کرد و زیر فرش گذاشته بود تا ساواکی‌ها آنها را پیدا نکنند. یک ساعت یا بیشتر، تمام گوشه‌کنارها و سوراخ‌سمبه‌های خانه را گشتند، تا اینکه وقت نماز صبح فرا رسید. گفتم: می‌خواهم نماز بخوانم. حتی یک وجب از خانه را نکاویده نگذاشتند! به نظر من از مادر مصطفی قدری غذا خواستم و بعد از او خواستم مجتبی و مسعود را که پس از بیدار شدن، دوباره به خواب رفته بودند، بیدار کند تا با آنها خداحافظی کنم. هنگام خداحافظی به فرزندان گفته‌ام: پدربزرگان عازم سفر است. من گفتم لازم نیست دروغ گفته شود. و واقع امر را به بچه‌ها گفتم. ● (منبع: کتاب‌آن مع‌الصبر نصراً)